

تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت

عباس اقبالی*

روح‌الله صیادی‌نژاد**

محمدحسین فاضلی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۰۱

چکیده:

از جمله موضوعات مهم زبان‌شناسی نقش‌گرای هالیدی و رقیه حسن، انسجام و به هم پیوستگی متن است. هراندازه انسجام آوایی، واژگانی، دستوری و معنایی میان یک متن و عناصر آن بیشتر باشد؛ آن متن ماندگارتر خواهد بود. از این رو می‌توان گفت یکی از دلایل ماندگاری قرآن مجید همین انسجامی است که میان عناصر آن برقرار است و مایه برخی از پژوهش‌های ادبی - قرآنی گشته است. در این جستار با روش توصیفی^۱ تحلیلی، «انسجام واژگانی» در سوره «عنکبوت» واکاوی شده است. از دستاوردهای این پژوهش آن است که در قرآن کریم انواع انسجام‌ها چشم‌نواز است؛ از جمله انسجام واژگانی که در بافت زبانی به نحوی نمود مشترک دارند با پراکندگی خود در سطح متن باعث انسجام‌بخشی به پیکره متن شده‌اند و معلوم شده تکرار واژه «الله» به صورت‌های لفظی و معنایی، جزئی و کلی ۶۴ درصد از انسجام واژگانی در سوره عنکبوت را به خود اختصاص داده است. همچنین در این سوره متناسب با بافت و سیاق سخن، الفاظ «کفر» و «ایمان» و زیرمجموعه آنها، بیشتر از واژه‌های دیگر تکرار می‌شوند و همین تکرار مایه انسجام گشته و به خواننده کمک می‌کند تا راحت‌تر با متن ارتباط پیدا کند و معنی آن را درک کند. واژگان متضاد به‌مثابه عناصر دیگر انسجام واژگانی در این سوره پربسامدند تضاد اسم‌ها با ۲۳ مورد و تضاد فعل‌ها با ۷ مورد، خواننده را از حالت انفعالی خارج و به درک و ارتباط بین آیات و واژه‌ها رهنمود می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: سوره عنکبوت، بافت موقعیتی، انسجام واژگانی، تکرار.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان (نویسنده مسؤول). Aghbaly@kashanu.ac.ir

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. Saijadi57@gmail.com

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان. Mohammadh.fazeli48@gmail.com

مقدمه

مطالعات و پژوهش‌های زبانشناسی جدید در دوره‌های اولیه، به کشف و توصیف واحدهایی از قبیل آوا، واژه و جمله توجه داشت. زبانشناسان، تجزیه و تحلیل واحدهای فراتر از جمله را امری مشکل و غیرعملی می‌دانستند، لذا دستور سنتی از بررسی و مطالعه واحدی بلندتر از جمله، یعنی «متن»، غافل بود. در واقع، «جمله» به‌عنوان یک واحد بزرگ زبانشناسی که به توصیف و تبیین رویدادها می‌پردازد؛ محل توجه و بررسی تحقیقات زبانشناسی بود؛ ولی به علت تفاوت در نگرش محققان و اختلاف در معیارهای زبانشناسی، اصطلاحات جدیدی مانند کلام و جمله به وجود آمد.

از اواسط نیمه دوم قرن بیستم، به تدریج، توجه زبانشناسانی چون زلیگ هریس^۱ (۱۹۵۲ م) و کنت لی پایک^۲ (۱۹۶۷ م)، به بررسی توزیع عناصر زبانی در سطحی بزرگ‌تر از محدوده جمله، یعنی متن، معطوف شد و متن به عنوان یک واحد فراتر از جمله کشف شد و ساختار آن مورد کندوکاو و بررسی قرار گرفت (آقاگل‌زاده و افخمی، ۱۳۸۳: ۹۱). «هریس» یک تحقیق تحت عنوان تحلیل گفتمان^۳ در سال ۱۹۵۲ م منتشر کرد. دیگر، زبان به شکل کلمات و جملات منفرد و تنها به شمار نمی‌رفت؛ بلکه در یک متن منظم و مرتبط به هم قرار گرفت (دیتر هینجر، ۱۹۹۷: ۲۱). در این مرحله همچنین می‌توان به «هارتمان»^۴ ۱۹۷۵ م و مایکل هلیدی^۵ و رقیه حسن^۶ (۱۹۷۳ م) و اثر آنها

یعنی کتاب انسجام در زبان انگلیسی^۷ اشاره داشت. هلیدی و رقیه حسن از جمله نخستین زبانشناسانی هستند که سعی کردند از سطح جمله و مطالعات نحوی فراتر روند و به مفهوم متن، شکل‌گیری بافتار متنی و عوامل دخیل در آن بپردازند و بُعد ارتباطی، کاربردی و اجتماعی زبان را ملاک قرار داده و در واقع زبان را یک حقیقت و واقعیت اجتماعی بدانند.

در طول دهه شصت، زبانشناسی به طور فزاینده‌ای متأثر از نظریات هلیدی شد؛ به طوری که این نظریات، به صورت محور اصلی در حوزه زبانشناسی نظام‌مند نقش‌گرا درآمد. در زبانشناسی نقش‌گرا مبحث انسجام موقعیت محوری یافت و در بررسی متن‌ها معیار ارزیابی قرار گرفت از این رو در متن‌شناسی متون نظام‌مند مانند سوره‌های قرآن مجید، می‌توان با واکاوی انسجام متنی به شناخت بیشتر آنها دست یافت. نگارندگان در این جستار سر آن را دارند که روش توصیفی - تحلیلی پدیده انسجام واژگانی را در متن سوره عنکبوت بررسی نمایند و به دنبال پاسخگویی به سؤال‌های ذیل هستند:

ا. سوره عنکبوت در بردارنده کدام یک از عوامل انسجام واژگانی می‌باشد؟
ب. انسجام واژگانی سوره عنکبوت چه پیام معنایی را می‌رساند؟
ج. کدام یک از انواع عناصر انسجام واژگانی در این سوره نقش مهم‌تری در پیوستگی و انسجام متن دارد؟

موضوع انسجام در متون قرآن کریم از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم قرآنی قرار داشته و

1. Harris
2. Kenneth Lee Pike
3. Discoure analysis
4. Erich Alfred Hartmann
5. M.A.k.Hallid ay
6. Roqaiya hasan

7. Cohesion in english

سوره نمل و فجر با ترجمه این دو سوره و به این نتیجه رسیده است که به علت اختلاف زبان عربی و فارسی، ترجمه این آیات با عوامل انسجامی بکار رفته در این دو سوره مطابقت ندارد.

همان‌طور که می‌بینیم پژوهش‌های مختلفی درباره انسجام در قرآن کریم، به انجام رسیده ولی هیچ‌کدام، به بررسی مشخصه انسجام در سوره عنکبوت نپرداخته‌اند. شایسته است که در طرحی نو و جدید به این موضوع پرداخته شود تا خوانندگان با زوایای پنهان و نهان این سوره آگاهی یابند. ساختار مقاله بدیع و جدید است و حاصل ابتکار نویسندگان مقاله است.

۱. «انسجام» در میراث غربی و اسلامی

درباره معنای لغوی انسجام آمده است: «انسجام الماء و الدمع...» (ابن منظور، ۲۰۰۵: ۱۷۶۲/۲) انسجام به معنای ریختن، جاری شدن و تداوم باران و مانند آن می‌باشد.

معنای اصطلاحی «انسجام» جدا از معنای لغوی آن نیست. «انسجام به مناسبت‌های معنای اشاره دارد که به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط جدا می‌کند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳). بنا بر آنچه در فوق گفته شد به این دریافت می‌رسیم که معنای لغوی «سجم» جدای از معنای اصطلاحی «انسجام» نیست؛ چرا که ریختن آب یا اشک یا تداوم باران، به مثابه ریختن معانی در قالب خاصی است که متن نام دارد؛ زیرا تداوم قطرات آب موجب تجمع و پیوستگی آن می‌شود و نتیجه آن تشکیل رود یا دریا می‌شود و تجمع معانی، نیز موجب تشکیل متن یا شعر

در این باره، تحقیقاتی چه در داخل و چه در خارج از کشور به انجام رسیده است؛ از جمله:

- «پیوستگی معنایی آیات در سور قرآن کریم و راه‌های مطالعه آن» (بررسی موردی ۱۴ سوره از قرآن کریم) پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد که به وسیله آقای مهدی مطیع در سال ۱۳۷۹ در دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق به انجام رسیده است. در این پژوهش توقیفی بودن ترتیب آیات، روش‌های نقد متون و نقش آن‌ها در پیوستگی معنایی آیات تبیین شده همچنین روش‌های سنتی، شکل‌مدارانه، نمادین، پدیدار شناختی، بلاغتی و روش کاربردی بررسی شده است.

- «عوامل انسجام در قرآن»: سوره یوسف (۱۳۸۰) مجید فصیحی هرندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی. از جمله دستاوردهای این پژوهش آن است که شناخت و نقش وصل‌های انسجامی می‌تواند ما را در درک، ترجمه و احیاناً تفسیر آیات قرآنی کمک نماید.

- «الاتساق و الانسجام فی سوره الکهف»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. محمود بوسته، از جامعه الحاج لخصر باتنة، سال ۲۰۰۸ م-۲۰۰۹ م، در نتایج این پژوهش تأکید شده است که فهم معنی بدون در نظر گرفتن سیاق کلام، حاصل نمی‌شود و شناخت عناصر انسجام متنی زمینه فهم آیه و پیوستگی عبارات را فراهم می‌آورد.

- «بررسی عوامل انسجامی در دو سوره نمل و فجر در مقایسه با ترجمه فارسی»، ابراهیمی محمد، زینب؛ پاینده، لیلا، مجله فلسفه و کلام: زمستان ۱۳۹۰ سال دوازدهم ° شماره ۴۸ از ۱۵۵ تا ۱۷۵؛ در این پژوهش از رهگذر بررسی مقایسه‌ای بین عوامل انسجامی در دو

یا قطعه ادبی می‌شود.

«هالیدی» و «رقیه حسن»، انسجام را «به روابط معنایی و ساختار و بافت یک متن و ارتباط کلمات با یکدیگر از جهت ارتباط با قبل یا بعد از خود می‌پردازد و عوامل انسجامی، مجموعه‌ای از روابط نحوی و واژگانی است که یا جملات را به هم ارتباط می‌دهد یا بین اجزای یک جمله ارتباط برقرار می‌کند» (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴). هرچند بیشتر زبان‌شناسان، انسجام را امری درونی و معنایی می‌دانند؛ اما نظر «براون و یول»^۸ ۱۹۸۳ م در این زمینه کمی متفاوت است. آنها انسجام را یک داده یا چیزی موجود نمی‌دانند که فقط باید به جستجو و کشف آن پرداخت؛ بلکه انسجام چیزی است که توسط خوانندگان ایجاد می‌شود (براون و یول، ۲۰۰۰: ۲۳۶-۲۳۷)؛ بنابراین آن دو معتقدند «انسجام در متن نمایان نیست، بلکه مخاطب یا خواننده با حضورش در متن بر حسب تجارب قبلی خود آن را کشف می‌کند؛ به عبارت دیگر، گفتمان، انسجام متن بر اساس درک و فهم مخاطب معلوم می‌شود و این مخاطب است که بر حسب درک و فهم خود به تأویل متن و کشف انسجام می‌پردازد» (کریمه صوالیحه، ۲۰۱۱: ۳۶)؛ اما محمد خطابی نسبت به این نظریه واکنش نشان می‌دهد و «انسجام براون و یول را انسجام مربوط به تأویل و تفسیر خواننده تلقی می‌کند نه انسجام متن و گفتمان» (محمد، ۲۰۰۶: ۱۵)

زبان‌شناسان عربی - اسلامی نیز به تعریف این اصطلاح پرداخته و از زوایای مختلف به آن توجه کرده‌اند. اینان سه گروه‌اند: «یک گروه مثل عزه محمد و الهام ابو غزاله، رویکردی وابسته به زبان‌شناسان غربی

دارند و حداقل تغییر را در عناصر انسجامی مطرح و از الگوی هلیدی و حسن پیروی کرده‌اند. گروهی دیگر مانند الفقی و محمد خطابی، از عوامل و عناصر مهم زبانی مختص عربی غافل نبوده و الگویی تلفیقی ارائه داده‌اند و سرانجام گروه سوم، رویکرد محض عربی را براساس ویژگی‌های متمایز عربی مطرح کرده‌اند مانند محمد العبد و حماسه عبداللطیف» (پروینسی، نظری، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

«سعد مصلوح» بر این باور است که: «انسجام، معیاری است که از ارتباط درونی بین کلمات و مفاهیم داخل متن حاصل می‌شود و پیوستگی مفاهیم و ارتباط آن‌ها و اتصال جمله‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد» (مصلوح سعد، ۱۹۹۱: ۱۵۴). به عبارتی واضح‌تر، مقصود وی از انسجام، روابطی معنایی است که اجزای متن و بندهای آن را به هم متصل می‌کند و این کار از طریق همبستگی معنایی که باعث می‌شود متن را به‌عنوان یک واحد کل و منسجم قرار دهیم حاصل می‌شود. «فقی» به نقل از سعد مصلوح، انسجام را ابزاری در راستای استمرار صوری متن معرفی می‌کند و به گفته کریستال در این باره اشاره دارد که انسجام را به بنای صوری و سطحی متن مربوط می‌داند (فقی، ۲۰۰۰: ۹۵-۹۶).

تا پیش از قرن بیستم، توجه سخن‌شناسان به‌ویژه نحویان و منطقیان بیشتر معطوف به مقوله انسجام درون‌متنی بود. در سال ۱۹۷۶ مایکل هالیدی و رقیه حسن مقوله بنیادین پیوستگی متن^۹، انسجام برونی را پیشنهاد دادند. این دو زبان‌شناس عوامل متنتیت^{۱۰} را

9. Coherence

10. Textuality

8. Brown, G. & G. Yule

ناگفته نماند که برخی بین انسجام و اتساق فرق می‌گذارند. اتساق را مربوط به روابط سطح روین متن و پیوستگی و انسجام را مربوط به ساخت عمیق و سطح زیرین متن می‌دانند. هلیدی و حسن آن را به نام «cohesion» و محمد الفقی، در عربی به عنوان «التماسک النصی» و در زبان فارسی به نام «انسجام» می‌شناسند. عبدالراضی (۲۰۰۸) انسجام را جنبه لغوی یا صوری متن و پیوستگی را جنبه معنایی و ضمنی متن می‌داند (عبدالراضی، ۲۰۰۸: ۲۸). در فهم مبحث انسجام برخی مفاهیم کلیدی همچون «بافت» و «سیاق» وجود دارند؛ از این رو قبل از ورود به اصل موضوع، بررسی بافت و سیاق ضروری به نظر می‌رسد.

۲. بافت و سیاق

بافت^{۱۲} یا سیاق یکی از عناصر مهمی است که بر متن اثرگذار می‌باشد. بافت دو نوع است؛ یکی بافت متنی و دیگری بافت موقعیت. بافت متنی همان عوامل درونی متن (عوامل درون زبانی) و بافت موقعیت همان عوامل برون متن (عوامل برون زبانی)؛ مثل بافت اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و موقعیتی می‌باشد (لطفی‌پور، ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰). در جریان تحلیل بافت موقعیتی، برخی از محققان معتقدند: «گفتمان براساس پیشینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، قابلیت‌های زبانی و زمانی و مکانی شکل می‌گیرد که فرایند گفتمان همواره تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد» (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۵). بافت به عنوان مبنای اصلی ساخت کلام نقش مهمی در فهم مراد گوینده دارد. منظور از بافت در زبان‌شناسی ذیل مبحث معنی‌شناسی کاربردی، فضایی است که

انسجام و پیوستگی عنوان کرده‌اند؛ ولی عامل درهم‌تنیدگی متن را تنها در انسجام نمی‌دیدند؛ چرا که جمالتی از نوع زبان‌پریشی ممکن است ویژگی‌های انسجام را داشته باشند ولی به لحاظ منطقی فاقد پیوستگی و وحدت موضوعی باشند. از این رو، سازوکار ارتباط منطقی و چسبندگی به کار رفته درک متن را «پیوستگی» نام نهادند؛ همان ابزاری که مخاطب (خواننده/ شنونده) را در فهم و درک متن و ایجاد رابطه (روابط) منطقی بین وقایع و حقایق کمک می‌نماید و از گسست مفاهیم مرتبط در راستای موضوع اصلی پیام جلوگیری به عمل می‌آورد.

شعبانلو (۱۳۸۷) بر آن است که عامل انسجام فقط رابطه بین کلمات و عناصر پیوندی درون متن نیست، بلکه عامل دیگری است فراتر از جمله که آن را پیوستگی^{۱۱} یا ارتباط مطالب می‌نامیم. او به نقل از تاکی (۱۳۷۸: ۷۳-۸۱) می‌نویسد: «منظور از پیوستگی یا ارتباط مطالب، تعبیر و تفسیر متن با توجه به موقعیت‌های بیرون از متن یا شرایط اجتماعی آن و نیز تجربیات پیش‌ذهنیت‌های ما در درک و فهم متن است» (شعبانلو، ۱۳۸۷: ۵).

برای آشکارتر شدن فرق میان انسجام و همبستگی، نظر یول روشنگر است. او به دوگونه انسجام قائل است: cohesion را انسجام درون‌متنی و coherence را انسجام برون‌متنی می‌نامد اما «فقی» بین دو اصطلاح cohesion (انسجام) و coherence (پیوستگی) تفاوتی قائل نیست و هر دو را به‌عنوان «انسجام متنی» (التماسک النصی) می‌داند (فقی، ۲۰۰۰: ۹۵-۹۶).

جمله‌های زبان در آن تولید می‌شود که منظور آن «شبکه روابطی است که میان صورت (دستور و واژگان) و جهان بیرون وجود دارد و در حقیقت معنی خارجی زبان را تشکیل می‌دهد.» در بافت موقعیت یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیتی خاص که تولید شده است بررسی می‌شود (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

از این روی می‌توان سیاق را مطمئن‌ترین و مهم‌ترین ابزار مفسر برای ورود به تحلیل متون به‌ویژه آیات قرآن دانست. در زبان فارسی یا زبان‌های دیگر این تعبیر در حوزه‌ها و رویکردهای مختلف با عبارت‌های مختلف از جمله: زمینه، بافت، بافت موقعیتی و بافتار و مواردی از این دست بیان شده است. در میان مسلمانان اصطلاحی چون مقام و در سنت تفسیر قرآن، اصطلاح‌هایی چون شأن نزول، یا اسباب نزول با تعبیری کم‌وبیش مشابه^{۱۳} و البته با ویژگی‌های متفاوت به کار رفته است. مالینوفسکی^{۱۴} (۱۹۲۳ م) به‌طور مشخص از لفظ بافت موقعیت^{۱۴} یا بافت موقعیتی برای اشاره به این تعبیر استفاده می‌کند. در تحلیل و شناخت عناصر انسجام، بافت موقعیت اهمیت زیادی دارد.

بافت موقعیتی سوره عنکبوت

امتحان و ابتلاء از آغاز، یک سنت پایدار و ثابت بوده است. در قرآن کریم به نمونه‌هایی از آزمایش‌های پیامبران و به ارتباط حقانیتی که خداوند ذکر کرده با حقانیتی که آسمان‌ها و زمین بر آن استوارند اشاره شده است. در ابتدای سوره عنکبوت نیز به این امر مهم

برداخته شده است و به مؤمنان گوشزد می‌کند تا در مقابل سختی‌ها و امتحانات الهی پایداری کنند و به غیر خدا تکیه نکنند؛ چراکه تکیه بر غیر خدا همانند اعتماد عنکبوتی است که به خانه خود می‌کند در حالی که خانه او طبق فرموده خداوند سست‌ترین خانه‌هاست و نام‌گذاری این سوره به «عنکبوت» نیز از آیه ۴۱ آن گرفته شده است. در آن آیه، بت پرستان را که تکیه بر غیر خدا می‌کنند؛ تشبیه به عنکبوت می‌کند که تکیه‌گاهش، تارهای سست و بی‌بنیاد است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^(۱) (۴۱/عنکبوت).

سوره مبارکه عنکبوت ۶۹ آیه دارد و قبل از هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم در اواخر زندگی مسلمانان در مکه معظمه نازل شد. این سوره از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است و هر بخش آن با توجه به بافت موقعیتی و مناسبت آن، نازل شده است.

بر این اساس، با توجه به اینکه موضوع اصلی سوره عنکبوت، بیان قدرت مؤمنان، ضعف کافران، پایداری در دین همراه مقاومت در انکار منکر و اعتراف به معروف و کار نیک است؛ بر این اساس، اسم سوره (عنکبوت) با این محتوا همخوانی دارد. آن زمان برای مؤمنان از زمان‌های سخت و مشکل به شمار می‌رفت؛ به همین خاطر این سوره، مؤمنان و مسلمانان را به تثبیت ایمان و ادار می‌کرد و مشهور در میان مفسران این است که تمام این سوره پیش از هجرت نازل شده است؛ چرا که محتوای آن هماهنگ با محتوای سوره‌های مکی است (مکارم شیرازی،

13. Malinowski

14. Context of Situation

۳. انسجام واژگانی (معجمی) سوره عنکبوت

می‌دهد (نوال خلف، ۲۰۰۶: ۱۹۲). این تکرار گاهی کلی و در مواردی جزئی است.

تکرار کلی

در تکرار کلی عین واژه بدون هیچ‌گونه تغییری در متن تکرار می‌شود. این‌گونه تکرار دو نوع است:

الف. تکرار نزدیک: در این نوع، واژگان تکرار شده در مجاور هم یا در یک جمله قرار می‌گیرند. (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۲۷۸)

ب. تکرار دور: در این نوع، واژگان تکراری در جملات مختلف، قرار می‌گیرند.

الف. تکرار

تکرار کلی در سوره عنکبوت در جایی

به صورت تکرار عین فعل است این فعل ممکن است به صورت ماضی، مضارع یا امر باشد. تکرار ماضی مانند کلمه «قالوا»، آیات ۳۱، ۳۲ و ۳۳ که ۳ بار تکرار شده است. تکرار فعل مضارع نیز در این سوره از بسامد زیادی برخوردار است تکرار فعل «تأتون» در آیات «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (آیه ۲۸)»^(۲). «أَئِنَّكُمْ لَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُم» (آیه ۲۹)^(۳) تکرار این فعل بر استمرار و تجدد دلالت دارد و نشان می‌دهد کاری بارها و بارها تکرار می‌شود.

در آیات ۲۸ و ۲۹ سه بار این فعل تکرار شده است و این نشانه آن است که قوم لوط کارهای زشت خود را مدام و پیوسته تکرار می‌کردند؛ از این رو تکرار این واژه فعلی سبب انسجام معنایی و متنی بین فعل «تأتون» و اعمال قوم لوط شده است. نمونه دیگر تکرار فعل «یستعجلون» در این آیات است «وَأَسْتَعْجِلُونَكُمْ بِالْعَذَابِ» (آیه ۵۳)^(۴) و «يَسْتَعْجِلُونَكَ

روابط مفهومی در سطح واژه‌ها را «انسجام واژگانی» می‌گویند. انسجام واژگانی معمولاً در دو سطح بررسی می‌شود، یکی تکرار و دیگری هم‌آیی (هم‌آیش). در این پژوهش به تکرار و هم‌آیی و انواع آن همراه با شاهد مثال‌های قرآنی از سوره عنکبوت و تحلیل هر کدام با رسم جدول و نمودار پرداخته می‌شود؛ اما قبل از هر چیز به مهم‌ترین عنصر واژگانی که نقش زیادی در ارتباط آیات و عبارات این سوره دارد یعنی «تکرار» می‌پردازیم:

یکی از مهم‌ترین عناصر انسجام واژگانی تکرار است. «تکرار، به کارگیری متعدد برخی عناصر جمله و متن است که سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود و ساختار متن را محکم و جانب دلالی آن را تقویت می‌کند» (حلو، ۲۰۱۲: ۲۰). سالکی معتقد است در یک متن، واژه‌های بسیاری وجود دارند که بیش از یک بار تکرار شده‌اند؛ اما آنچه که سبب انسجام متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم است. بسیاری از واژه‌های دستوری مانند حروف اضافه و حروف ربط ممکن است در متن زیاد مورد استفاده قرار گیرند. هرچند که این واژه‌ها نیز در انسجام متن تأثیرگذارند؛ اما در نقش مورد نظر بر این واژه‌ها تأکید نمی‌شود؛ بلکه فقط واژه‌هایی که به واژه‌های متنی معروف‌اند، دارای نقش انسجام متنی هستند.

تکرار در حقیقت باعث ایجاد ارتباط بین آیات و تسهیل فهم معنی می‌شود؛ به طوری که لاحق (لفظ تکراری دوم) را در خدمت سابق (لفظ اول) قرار

بِالْعَذَابِ ﴿٥٤﴾ (آیه ۵۴).

وَأَشْكُرُوا لَهُ إِِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾ (آیه ۱۷) ^(۶) کلمه «تعبدون» دو بار تکرار شده‌اند. در این قسمت نیز تکرار فعل «تعبدون» نشان از آن است که مشرکان بی‌دری بت‌ها را می‌پرستند و آنها را شریک خداوند قرار می‌دهند. فعل امر نیز مانند فعل‌های ماضی و مضارع در این سوره تکرار شده است؛ آیات ۶۳، ۵۲، ۵۰، ۲۰ وازه «قُل» چهار بار تکرار شده است. یکی دیگر از انواع تکرار کلی، تکرار جمله است. در سوره مبارکه عنکبوت قسمتی از آیات ۲۴ و ۳۰: ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا﴾ ^(۷) و همچنین قسمتی از آیات ۵۳ و ۵۴ ﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ﴾ تکرار شده است. آخرین نوع تکرار کلی که باعث انسجام معنایی در این سوره شده است؛ تکرار اسم است در آیه‌ای که ذکر آن قبلاً گذشت، کلمه «الرزق» دو بار تکرار شده است تا بین «رزق» اول و دوم یک ارتباط و انسجام معنایی برقرار شود؛ چرا که بت‌پرستان، رزق و روزی خود را در اطاعت از بت‌ها می‌دانستند ولی خداوند با تکرار «الرزق» نشان داده است که این رزقی که شما دنبال آن هستید در وجود بت‌ها نیست؛ بلکه فقط از جانب خداوند متعال می‌باشد. نمونه دیگر تکرار کلمه «أَتَقَال» در آیه: ﴿وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَتَقَالًا مَعَهُمْ أَتَقَالَهُمْ وَلِيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (آیه ۱۳) ^(۸) است که کلمه «أَتَقَال» تکرار شده است و به همراه فعل مضارع «يَحْمِلَنَّ» نشان از آن است که آن‌ها این بارها را بر دوش خود می‌کشند و این کار را تکرار می‌کنند. یکی از وازه‌های تکراری در اکثر سوره‌های قرآن کریم، تکرار لفظ «الله» است. در سوره عنکبوت لفظ «الله» ۴۳ بار تکرار شده است چه آنکه این سوره مکی است و موقعیت و بافت سخن اقتضا دارد که از وجود یک

مشرکان، پیوسته از رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم درخواست نزول عذاب می‌کردند؛ لذا خداوند نیز این تکرار درخواست آنها را با تکرار فعل «يستعجلون» نشان داده است و آن را به صورت مضارع آورده تا این استمرار و حدوث را بیشتر نشان دهد. ضمن اینکه این تکرار «بر کمال جهل و نادانی کفار و تباهی فهمشان دلالت می‌کند و نشان می‌دهد، استعجال آنان، استعجال به امری است که به طور قطع خواهد آمد و به هیچ وجه دروغ نمی‌شود، چون کيفر اعمالشان است و کيفر اعمال از صاحب عمل جداشدنی نیست» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۳/۱۶). علاوه بر این، «يستعجلون» با کلمه بعد از خود «العذاب» و کلمه «العذاب» نیز با محتوای بعد از خود ارتباط و انسجام معنایی دارد؛ زیرا با توجه به بافت موقعیت و ساختار کلام، در آیه ۵۳، منظور خداوند، عجله و شتاب مشرکان در عذاب دنیایی است درحالی‌که در آیه ۵۴، منظور از عجله در نزول عذاب، عذاب جهنمی می‌باشد.

نمونه دیگر از تکرار فعل مضارع، کلمه «لِيَعْلَمَنَّ» در آیه: ﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلِيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ که کلمه «لِيَعْلَمَنَّ» بدون کوچک‌ترین تغییر در همین آیه تکرار شده است تا با توجه به بافت و سیاق کلام و آوردن حرف قسم «لام» مشخص کند که خداوند قطعاً انسان‌های راستگو را از دروغگو جدا می‌کند و این با آغاز و پایان سوره که تأکید می‌کند ما انسان‌ها را آزمایش می‌کنیم؛ ارتباط شدیدی دارد. نمونه دیگر در آیه: ﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ

تکرار جزئی

گاهی ریشه برخی از واژگان یکی است و واژه با اندکی تغییر در صیغه تکرار می‌شود، این‌گونه تکرار را تکرار جزئی نامند (عبدالمجید، ۱۹۹۸ م: ۸۲). در سوره عنکبوت تکرار از نوع جزئی بسیار است. تکرار کلمه و صیغه‌ها و شکل‌های مختلف آن یکی از موارد مهم تکرار جزئی است. تکرار واژه «قول» و مشتقات آن در این سوره پرسامد است علت این نوع تکرارها در این سوره برای عبرت گرفتن مؤمنان از سرگذشت اقوام و پیامبران پیشین اشاره شده است و از آنجا که بین این پیامبران و دشمنان آنها گفتگو و احیاناً مجادله صورت گرفته است؛ به همین خاطر از ماده «قول» و مشتقات آن بسیار استفاده شده است، ضمن اینکه تکرار این فعل (قال) یک انسجام معنایی بین آیات برقرار کرده است.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (آیه ۱۲)^(۹) تکرار کلمات «ولنحمل» و «حاملین» از نوع تکرار جزئی است.

از نمونه‌های دیگر تکرار جزئی، تکرار واژه «جاهد» به صورت «یجاهد» در آیه شریفه ﴿وَمَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آیه ۶)^(۱۰) است. با توجه به اینکه یکی از اهداف این سوره تأکید بر جهاد در راه خدا است، تکرار «یجاهد» باعث تقویت معنی و تشبیت آن در ذهن مخاطب گردیده است؛ نباید فراموش کنیم این آیه که بر امر جهاد تأکید دارد با آیه پایانی این سوره ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۱۱) ارتباط معنایی و انسجام متنی دارد و بین آیات ابتدایی و آیه پایانی انسجام معنایی برقرار

حقیقت یعنی خداوند متعال نام برده شود؛ حقیقتی که تمام صفات اعم از رحمانیت و رحیم بودن و... دارا است و از طرف دیگر، مشرکان به وجود آن واقف هستند و آن را قبول دارند هرچند که آنها صفات خداوند را نمی‌شناختند. یکی دیگر از اهداف تکرار آن، اثبات وجود خداوند تعالی، اهمیت یاد خدا در زندگی و عدم تکیه بر غیر خدا است. واژه دیگر کلمه «رب» است که ۵ بار و «العزیز الحکیم» که از صفات خداوند است ۲ بار تکرار شده است.

از دیگر موارد تکرار عینی، تکرار کلمه «الکتاب» در آیات ۲۷، ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۵۱ است که هفت بار تکرار شده و هر بار با توجه به سیاق و بافت موقعیتی سخن بر معنی خاصی دلالت می‌کند.

تکرار کلی واژگان در این سوره به قرار ذیل است:

جدول ۱. تکرار کلی (عینی) در سوره عنکبوت و بسامد هر یک از آنها

واژه	تکرار	واژه	تکرار	واژه	تکرار
اهل	۵	رب	۴۳	الله	۶
عذاب	۲	جهنم	۴	الناس	۷
یشاء	۳	السماء	۳	السموات	۳
أثقال	۵	كفروا	۷	آمنوا	۳
أوثان	۴	لِيعْلَمَنَّ	۲	يستعجلونك	۳
رِزْق	۳	لَتَأْتُونَ	۲	فما كان جواب قومه	۴
				الآن قالوا	

جدول ۲. تکرار جزئی واژگان در سوره عنکبوت

واژه	تعداد	صورت های تکرار
علم	۷	فَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ وَ لِيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ و لِيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
ظلم	۷	وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ
قال	۷	وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ وَيَقُولُ ذُقُوا لِيَقُولَنَّ اللَّهُ أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا
كفر	۷	وَكُفَرُوا بِاللَّهِ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
أتى	۶	وَلِنَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَأْتِيَانَهُ أَجْرُهُ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ بِمَا آتَيْنَاهُمْ لِنَأْتِيَنَّهُمُ الرِّجَالَ
عمل	۵	الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

شده است. در این آیات، «قال» و مشتقات آن ۲۴ بار به کار رفته است نمونه دیگر از تکرار جزئی، تکرار ماده «ولی» و «نصیر» است: «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (آیه ۲۲) (۱۲) و «وَمَا أَوَّلُكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (آیه ۲۵) (۱۳) و «قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ» (آیه ۳۰) (۱۴) و «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا» (۴۱) (۱۵). این تکرارها متناسب با حال و هوا و بافت و موقعیت سخن است؛ چرا که محور اصلی این سوره تأکید بر حقانیت خداوند متعال و رد باطل یعنی کفر و ستم است.

واژه‌های «ولی»، «نصیر»، «ناصرین»، «مودّ»، «أنصری» و «أولياء» در آیات (۲۲ - ۲۵ - ۳۰ - ۴۱) و همچنین تکرار متغیر واژه‌های «آمن» به صورت «آمنّا - آمنوا - يؤمنون» و کلمه «كُفِر» به شکل «كُفَرُوا - كافرين»، واژه «عَمَل» به گونه «عملوا - يعملون» و کلمه «عِلْم» به صورت «علیم - يعلم»، از مصادیق تکرار جزئی می‌باشند. پرواضح است که به دلیل مکی بودن سوره عنکبوت (زرکشی، ۱۴۱۹: ۱۹۴/۱) و اینکه در این سوره تقابل و مقایسه دو گروه حق و باطل و شرح صفات آنها در میان است؛ از این رو متناسب با بافت و سیاق سخن، الفاظ «کفر» و «ایمان» و زیرمجموعه آنها، بیشتر از واژه‌های دیگر تکرار می‌شوند و این تکرار مایه انسجام واژگانی و پیوند معنایی فزون‌تر این سوره است. تکرار جزئی واژگان در این سوره به قرار ذیل است:

ب. اشتراک لفظی (همنامی)

همنامی^{۱۵} عبارت است از کاربرد دو واژه در یک متن که دارای صورتی یکسان و معنایی متفاوت هستند. «تکرار از نوع اشتراک لفظی مقابل ترادف (هم معنایی) است و در علم بلاغت از آرایه‌های ادبی به شمار می‌رود و به آن جناس تام گفته می‌شود» (پروینی؛ نظری، ۱۳۹۱: ۴۱). در این سوره دو واژه «کتاب» و «عذاب» در معنای مختلف به کار رفته است و جالب این است که «هرکدام هفت بار در این سوره بکار رفته- اند» (محمد فؤاد، ۱۴۱۲: ۵۷۵ و ۷۵۴)

واژه کتاب در آیات: ۵۱، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۲۷ به کار رفته است. در آیه ۲۷ کتاب در معنی عام خود یعنی، همان کتاب آسمانی آمده است. در آیه ۴۵ مقصود از کتاب، قرآن کریم و در آیه ۴۶ مقصود، تورات و انجیل و در آیه ۴۷ کتاب اول یعنی قرآن و کتاب دوم یعنی تورات و انجیل، در آیه ۴۸ منظور از کتاب هر نوع نوشته‌ای است و در آیه ۵۱ مقصود از کتاب همان قرآن کریم است.

با بررسی این آیات معلوم می‌شود واژه «کتاب» در معنای مختلف به کار رفته و این شیوه سخن، مخاطب را از حالت انفعالی خارج می‌کند تا در این آیات تفکر کند و با توجه به قرائن و سیاق کلام معنی مقصود آیه را درک کند.

«عذاب» از دیگر واژه‌هایی است که در این سوره به کار رفته است. این واژه در آیات ۵۵، ۵۴، ۲۹، ۲۳، ۱۰ آمده و بین این آیات ارتباط معنایی برقرار کرده است. بدین صورت که در آیه ۱۰ به معنی عذاب الهی (هر نوع عذاب دنیوی را شامل می‌شود)، در

آیه ۲۳ نوع خاصی از عذاب که بسیار دردناک است، در آیه ۲۹ عذاب در معنی خاص یعنی عذاب دنیوی، در آیه ۵۳ هر دو عذاب به معنی عذاب آخرت و در آیه ۵۴ و ۵۵ منظور از عذاب، عذاب جهنم است. از آنجا که در این سوره هر یک از اقوامی که مخالف دستورات پیامبران عمل کردند به عذابی دنیوی گرفتار شدند؛ بدین ترتیب واژه «عذاب» در معانی مختلف آمده است؛ ضمن اینکه در آیات ۵۵ و ۵۴ به عذاب آخرتی یعنی جهنم نیز اشاره شده است.

تغریض

در زبان‌شناسی نوین، «نقطه آغاز هر متن را که عمدتاً عنوان آن متن است، تغریض^{۱۶} می‌گویند و آن از مهم‌ترین اسباب تحقق انسجام متنی است» (القوارة، ۲۰۱۲ م: ۷۰)؛ زیرا که در عنوان، مجموعه دلالت‌های مرکزی متن رخ می‌نماید. درواقع عنوان یک استراتژی کاربردی در متن است که تفسیرکننده را در فهم دلالت‌های متن و رمزگشایی آن یاری می‌دهد و درواقع یک پیشینه شناختی در اختیار تحلیل‌گر قرار می‌دهد که با آن از معانی ظاهری متن عبور کرده و به عمق معانی دست می‌یابد (هیاس، ۲۰۱۵ م: ۹۳). نشانه شناسان نیز به «عنوان متن» توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل شده‌اند؛ چرا که عنوان یک راهبرد استراتژیک برای فهم متن و فهم اندیشه شاعر به شمار می‌رود و به کشف رموز متن کمک می‌کند؛ از این رو «تغریض» یکی از عناصر مهم انسجامی به حساب می‌آید به طوری که موضوع اصلی هر متن و عنوان آن را به تک تک عبارات و بندها پیوند می‌زند.

محتوای اصلی سوره عنکبوت، بیان قدرت مؤمنان، ضعف کافران، پایداری در دین همراه مقاومت در انکار منکر و اعتراف به معروف و کار نیک است؛ لذا اسم سوره (عنکبوت) با این محتوا همخوانی دارد؛ به همین خاطر، خداوند برای اثبات ضعف و سستی کافران، آنها را به خانه عنکبوت تشبیه کرده است؛ خانه‌ای که هر لحظه ممکن است با کوچک‌ترین اشاره از بین برود: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا﴾ (آیه ۴۱) (۱۶). پس عنوان سوره با اینکه جزئی از ساختار کلی سوره است؛ اما نقش مفهومی مهمی ایفاء می‌کند تا مخاطب را برای پی بردن به ساختار معنایی متن آماده نماید و در رفع ابهامات سوره، خواننده را یاری رساند.

باهم‌آیی (همایش)

یکی از مهم‌ترین ابزار انسجام متن در سطح واژگانی، «باهم‌آیی» است که زبان‌شناسان عرب به آن «التضام» می‌گویند. این اصطلاح را اولین بار زبان‌شناس انگلیسی، فرث در سال ۱۹۵۷ م به کار برد. وی معتقد است «معنای واژگان در ارتباط با واژگانی که آنها را همراهی می‌کنند دانسته می‌شود با این وجود، فرث تعریفی دقیق از باهم‌آیی ارائه نداده است» (سانگ، ۲۰۰۳: ۱۶)؛ برای این اصطلاح، تعریف‌های زیادی از سوی زبان‌شناسان مطرح شده است؛ از جمله اینکه گفته‌اند: «مبنای این نوع انسجام آن است که برخی از واژه‌ها به خاطر هم‌نشینی با واژه‌های مختلف تغییر معنی می‌دهند» (برکاو، ۱۹۹۱: ۷۱). هلیدی و حسن (۱۹۷۶) و سینکلیر (۱۹۹۱) تعریف متفاوتی از باهم‌آیی ارائه می‌دهند و می‌گویند: «وقوع دو یا چند واژه که در

برخی از ویژگی‌های متداعی مانند نقش انسجامی با یکدیگر متفاوت هستند» (سانگ، ۲۰۰۳: ۱۷) منظور از همایش (باهم‌آیی)، باهم آمدن کلمات مرتبط است؛ یعنی آن گروه از کلماتی که از نظر معنای انفرادی یا عرف زبانی با هم سنخیت دارند، در کنار هم قرار می‌گیرند. بی‌تردید با هم آمدن واژگان در سطح کلام، موجب پیوستگی و انسجام متن می‌گردد.

همان‌گونه که در تعریف باهم‌آیی بین زبان‌شناسان اختلافاتی وجود دارد، در تقسیم‌بندی انواع باهم‌آیی نیز به علت تفاوت ساختاری در زبان‌ها و نوع نگاه تک‌بعدی به این اصطلاح، باعث شده تا به تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دست بزنند.

در یک تقسیم‌بندی که هلیدی و حسن (۱۹۷۵) بر آن تأکید دارند، هم‌آیی به ۸ قسمت تقسیم می‌شود: تضاد، ارتباط با موضوعی معین، رابطه جزء به کل، رابطه جزء جزء، شمول مشترک، واژگان مربوط به یک مجموعه منظم، واژگان مربوط به یک مجموعه غیر منظم و هم معنایی (آل‌بویه و نظری، ۱۳۹۱: ۲۶) یک نوع تقسیم‌بندی که جدیداً توسط شهلا شریفی و مجتبی نامور فرگی (۱۳۹۱) در زبان فارسی ارائه شده، هم‌آیی را به پنج قسمت تقسیم کرده است که البته برخی از آنها در زبان عربی کاربرد ندارد: باهم‌آیی معنایی، باهم‌آیی صوتی، باهم‌آیی بافتی، باهم‌آیی موقعیتی، باهم‌آیی فرهنگی (شریفی، نامور فرگی، ۱۳۹۱: ۴۹).

ما در این پژوهش، باهم‌آیی را بر اساس تقسیم‌بندی هلیدی و حسن دنبال می‌کنیم.

جدول ۳. بسامد تضاد در سوره عنکبوت

تضاد	نوع تضاد	آیه	تضاد	نوع تضاد	آیه
آمنوا المنافقین	فعل اسم	۱۱	صَدَقُوا الْكَافِرِينَ	فعل اسم	۳
كفروا آمنوا	فعل فعل	۱۲ ۵۲	دون الله عند الله	اسم اسم	۱۷
يبدئ يعيد	فعل فعل	۱۹	يُعَذِّبُ يرحم	فعل فعل	۲۱
الفلك البر	اسم اسم	۶۵	بالباطل بنعمة الله	اسم اسم	۶۷
يؤمنون يكفرون	فعل فعل	۶۷	الدنيا القيامة	اسم اسم	۲۵
الدنيا الآخرة	اسم اسم	۲۷	مهلكو مُنَجَّوْ	اسم اسم	۳۱ ۳۳
مُهْلِكُو لِنُنَجِّينَ	اسم فعل	۳۱ ۳۲	الأحياء موت	اسم اسم	۶۳
يؤمن يجحد	فعل فعل	۴۷	يؤمنون الكافرون	فعل اسم	۴۷
الباطل الله	اسم اسم	۵۲	يسسط يقدر	فعل فعل	۶۲
فوقهم تحت	اسم اسم	۵۵	الجنة جهنم	اسم اسم	۵۸ ۵۴

هم آیی از نوع رابطه تعارض و تضاد

تضاد^{۱۷} معنایی مربوط به کلماتی است که دارای معنای مخالف هم هستند. تضاد از این جهت باعث انسجام متنی و معنایی می‌شود که با شنیدن واژه‌ای، به طور طبیعی واژه‌ی دیگر تداعی می‌شود و بین این دو واژه و مفهوم متن ارتباط معنایی حاکم می‌شود.

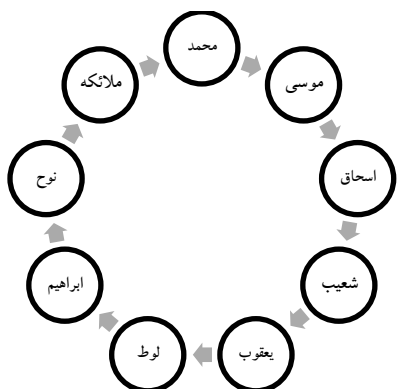
در سوره عنکبوت، تضاد، از بسامد بالایی برخوردار است مانند آیه «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَافِرِينَ» (آیه ۳) (۱۷) و «وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ» (و آیه ۱۱) (۱۸) در این دو آیه کلمات «الذین صدقوا» در مقابل «الکاذبین» و «الذین آمنوا» در مقابل «المنافقین» قرار گرفته و خواننده با خواندن یا شنیدن آن، ارتباط معنایی حاصل از آن را درک می‌کند.

واژه‌های متضاد مثل «المؤمنین و الکافرین»، «صدقوا و کذبوا» و «یؤمنون و یکفرون» در این سوره از بسامد زیادی برخوردار است. بسامد این قبیل کلمات با موضوع باور توحیدی و تقابل پیامبران با طاغوت‌ها، مطابق با بافت موقعیت و سیاق کلام است و بر انسجام و پیوند معنایی دلالت دارد. از بررسی جدول مربوط به تضاد در این سوره و مقایسه بین اسم‌ها و فعل‌ها نتیجه می‌گیریم تضاد بین اسم‌ها بیشتر از تضاد بین فعل‌ها است؛ زیرا تضاد بین اسم‌ها ۱۰ مورد است اما بین فعل‌ها فقط ۶ مورد.

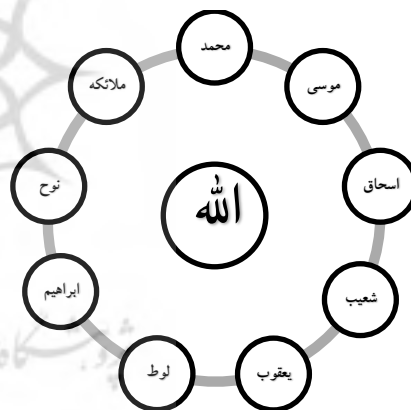
هم آیی از نوع رابطه جزء - کل

به رابطه‌ای گفته می‌شود که اجزای یک کل با خود آن کل دارند مثلاً درخت که کلی است دربرگیرنده ریشه، تنه، ساقه، برگ، میوه و جزء آن می‌باشد و نویسنده «با ذکر بعضی از اجزا و صفات همراه یک موضوع تصویری خاص از آن ارائه می‌دهد» (فرج، ۲۰۰۷: ۱۱۴).

رابطه‌ای که پیامبران با خداوند دارند از نوع جزء - کل است. رابطه خدا با ملائکه و پیامبرانی چون حضرت نوح، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، شعیب، موسی و محمد که در این سوره بدان اشاره شده باعث انسجام معنایی بین آیات شده است.

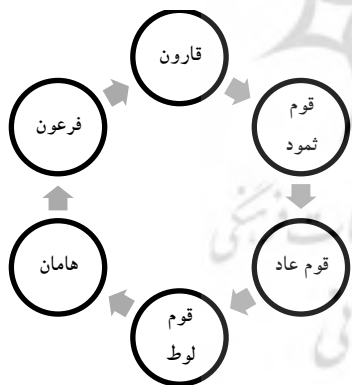


رابطه دوم بین کافران و ستمگرانی مانند قارون، فرعون، هامان و اقوام عاد، ثمود و لوط حاکم است. رابطه سوم بین ارض و سماوات و قمر وجود دارد. در تمام این مجموعه‌ها که بیان شد بین اجزاء و افراد آن روابط از نوع جزء به جزء حاکم است. این روابط باعث شده است که بندها، آیات و عبارات این سوره درهم تنیده شوند و کل سوره در حکم یک متن کامل، منظم و منسجم که بین ارکان آن نظم و انسجام برقرار است تبدیل شود.



هم آیی از نوع رابطه جزء - جزء

رابطه اجزای کل با یکدیگر: مانند زلف، گیسو، طره، چشم، لب، گونه، ساق، ساعد که اجزای بدن هستند. یک نوع از رابطه جزء-جزء در این سوره، رابطه‌ای است که بین پیامبران الهی، نوح، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، شعیب، موسی و حضرت محمد در آیات این سوره برقرار است و باعث انسجام معنایی بین آیات شده است.

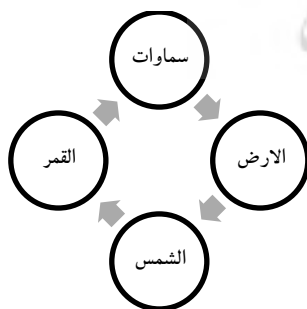


هم آیی از نوع رابطه میان شیء و عناصر آن (شمول معنایی)

«شمول معنایی» یعنی مفهوم یک واژه، مفاهیم چند واژه دیگر را شامل می‌شود (پالمر، ۱۳۷۴ ش: ۱۳۲) شمول معنایی رابطه‌ای است که بین عناصر واژگانی «خاص» و «عام» برقرار است. مثلاً بین واژه‌های «گل» و

هم آیی از نوع ارتباط با موضوعی معین
 «گاهی برخی کلمات به دلیل کثرت حضور مشترک در
 یک بافت یکسان همدیگر را تداعی می‌کنند؛ مثلاً با ذکر
 جنگ جهانی کلماتی مانند متفقین، متحدین و جز آن به
 ذهن متبادر می‌شود. یا رابطه بیمار، پزشک، بیمارستان،
 دارو، عمل جراحی و داروخانه» (آلبویه و نظری،
 ۱۳۹۱: ۴).

کلماتی مثل عزیز، حکیم، سمیع و علیم، آیات
 ۶۰، ۴۲، ۲۶، ۵ مربوط به صفات خدا و الکتاب، النبوة
 آیه ۲۷ (دلایل بینة پیامبران)، اسحاق و یعقوب آیه ۲۷
 (نام پیامبران)، عاد و ثمود (آیه ۳۸)، اقوام عصیان گر،
 قارون، فرعون و هامان آیه ۳۹، (سرکشان طغیانگر)
 سماوات، ارض، شمس و قمر ۴۴، ۶ (منظومه شمسی)،
 رحمة و ذکری ۵۰ (یاد و رحمت) و نوح، طوفان و
 سفینة ۱۴، ۱۵ (داستان حضرت نوح) هر یک از این
 واژه‌ها که در قرآن آمده است بر موضوعی معین دلالت
 دارد؛ به عنوان مثال با شنیدن واژه عاد، ثمود و با
 شنیدن آسمان، ارض و قمر و شمس به طور طبیعی در
 ذهن تداعی می‌شود. وجود این واژگان در متن باعث
 ارتباط اجزای متن و نیز فعال کردن مخاطب و خواننده
 و همراهی او با متن می‌گردد.

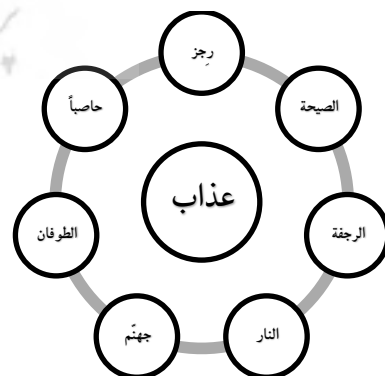


هم آیی از نوع هم معنایی (ترادف):

یکی دیگر از عناصر انسجام واژگانی که موجب ارتباط
 معنایی بین عبارات و جمله‌ها می‌شود «ترادف» است.

«نیلوفر» رابطه شمول معنایی برقرار است؛ به عبارت
 دیگر، گستره مفهوم واژه «گل»، مفهوم واژه «نیلوفر» را
 در بر می‌گیرد؛ در مثال یاد شده کلمه «گل»،
 فراگیرنده^{۱۸} و کلمه «نیلوفر» فراگرفته^{۱۹} است. گستره
 مفهوم واژه فراگیرنده ممکن است مفاهیم واژه‌های
 بسیاری را در برگیرد؛ مثلاً مفهوم واژه گل گستره‌های
 مفاهیم نام‌های کلیه گل‌ها، از جمله مریم، نرگس، یاس،
 محمدی، رز و ... را در بر می‌گیرد. (فرج حسام احمد،
 ۲۰۰۷ م: ۱۱۴) در این صورت واژه‌های یادشده را
 «هم شمول» می‌نامیم.

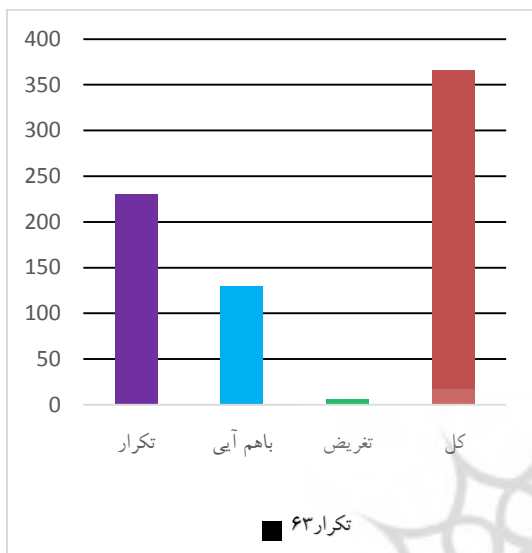
در سوره عنکبوت از انواع تکرار معنایی، از
 شمول معنایی استفاده شده است. رابطه‌ای که بین
 «عذاب» که «شامل» نام دارد با انواع آن: الصیحة،
 حاصباً، خسفتنا، أغرقنا، الطوفان، النار، الرجفة، جهنم و
 رجزاً که مشمول نام دارد؛ به طوری که با شنیدن این
 واژه‌ها، کلمه «عذاب» تداعی می‌شود. همچنین
 واژه‌های غرقاً، أحسن، نُدخَلنَّ، خیر، الجنة، أجر و
 نهديهم (مشمول) برای «الجنة» (شامل) به‌کار رفته
 است. پراکندگی این واژه‌ها در این سوره باعث انسجام
 و ارتباط معنایی شده است و این واژه‌ها توانسته‌اند بین
 این آیات و مفهوم اصلی آن ارتباط برقرار کنند.



18. Superordinate
 19. Hyponyms

۴. بسامد عناصر انسجام

نمودارهای زیر نشان می‌دهد که هریک از عناصر انسجام در این سوره از چه بسامدی برخوردارند:



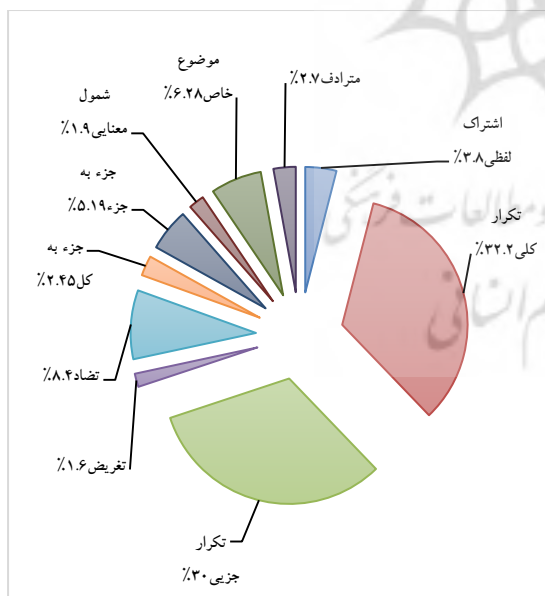
نمودار ۱. بسامد عناصر انسجام واژگانی در سوره عنکبوت

در این نوع باهم آبی دو یا چند واژه مترادف با هم تشکیل با هم آبی می‌دهند (شریفی، و نامور فرکی، ۱۳۹۰: ۱۶). یهوذا همزه ابوبکر (۲۰۱۲) هم معنایی را به قسمت‌های مختلفی تقسیم کرده است؛ از جمله: مترادف عینی ° کامل (آثر و فضل)، شبه مترادف (سنة، عام و حول)، تقارب معنایی (رمق، لمح، حدج، نظر و لحظ)، ترجمه از زبانی به زبان دیگر (حسان و نیکی / رفعت و بزرگی) و آوردن صفات واژه مترادف: سیف، مهند (همزه ابوبکر، ۲۰۱۲: ۴۳).

در سراسر سوره عنکبوت از این عنصر استفاده شده است. در آیه ۱۴ ﴿قَلْبَتْ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾^(۱۹) به طور مشخص این عنصر به کار رفته است و با آوردن این دو واژه مترادف (سنة و عام) بین این دو طرف آیه ارتباط معنایی از طریق انسجام واژگانی از نوع مترادف ایجاد شده است.

جدول ۴. بسامد مترادف در سوره عنکبوت

واژه	ترادف	نوع ترادف	آیه
نُكْفَرْنَ	نَجَزِينَ	شبه ترادف	۷
سنة	عام	شبه ترادف	۱۴
تُخْلِقُونَ	يُنشِئُ	شبه ترادف	۲۰، ۱۷
تُقَلِّبُونَ	تُرْجِعُونَ	کلی	۲۱
وَلِيٍّ	نصير	شبه ترادف	۲۲
لاتخف	لاتحزن	شبه ترادف	۳۳
محیطه	یغشاهم	جزیی	۵۴، ۵۵
لهو	لعب	شبه ترادف	۶۴
مأوی	مثوی	کلی	۲۵ و ۶۸



نمودار ۲. بسامد عناصر انسجام واژگانی

بحث و نتیجه گیری

برآیند این واکاوی معلوم می‌سازد:

۱. در سوره عنکبوت، انسجام واژگانی در انواع مختلف

عنکبوت به لانه خود است که هر لحظه ممکن است از هم بپاشد.

۶. از بررسی عناصر واژگانی در این سوره به این نتیجه می‌رسیم که پیوستگی و انسجام آیات این سوره چنان است که ایجاب می‌کند همه آنها را مکی بدانیم. تمام عناصر انسجام واژگانی در این سوره با بسامدهای مختلف آن موجب ارتباط معنایی و پیوستگی آیات این سوره شده است و میان‌بندها و جملات آن، ارتباط و هماهنگی برقرار کرده است.

۷. مقایسه بسامد عناصر انسجام معلوم می‌سازد که عنصر تکرار که در تثبیت معنی و اقناع مخاطب نقش آفرینند از بسامد بیشتری برخوردار است.

۸. در سوره عنکبوت علاوه بر انسجام واژگانی، مصادیق دیگر انواع انسجام متنی مانند انسجام دستوری-نحوی، ارجاع و... پربسامد است و هریک شایان توجه و پژوهشی مستقل می‌باشند.

پیوست

۱. مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده درحالی‌که سست‌ترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند! (۴۱)

۲. و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ‌یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است!» (۲۸)

۳. آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلسان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی عذاب الهی را برای ما بیاور! (۲۹)

آن پربسامد است؛ اما عنصر واژگانی که نقش مهمی در انسجام این سوره دارد، تکرار و انواع مختلف آن است که ۶۲٪ از مجموع را به خود اختصاص داده است و علت اصلی به‌کارگیری این عنصر در این سوره، تأکید بر یگانگی و اقتدار خداوند مثل تکرار واژه «الله» (۴۳ بار) و برطرف کردن شک و تردید خواننده و مخاطب، مانند تکرار «ولیعلمنَّ اللهُ» تأکید بر موضوع اصلی سوره و تکرار برخی از کارها از سوی کافران، مثل فعل «تأتون» و «یستعجلونک بالعذاب» است.

۲. تکرارهای سوره عنکبوت نشان می‌دهد که مردم پی‌درپی از رسولان درخواست عذاب می‌کردند به طوری که خداوند درخواست مکرر آن را با آوردن و تکرار این جملات پاسخ داده است.

۳. تکرارهای جزئی نیز در این سوره پربسامد است و باعث انسجام واژگانی و ارتباط معنایی شده است و به خواننده کمک می‌کند تا راحت‌تر با متن ارتباط پیدا کند و معنی آن را درک کند. از این رو متناسب با بافت و سیاق سخن، الفاظ «کفر» و «ایمان» و زیرمجموعه آنها، بیشتر از واژه‌های دیگر تکرار می‌شوند. دومین عنصر انسجامی که در این سوره از بسامد زیادی برخوردار است.

۴. هم‌آیی و انواع مختلف آن با ۳۵٪ که بیشترین بسامد آن مربوط به تضاد اسم‌ها با ۲۳ مورد و تضاد فعل‌ها با هفت مورد که خواننده را از حالت انفعالی خارج و به درک و ارتباط بین آیات و واژه‌ها رهنمود می‌سازد.

۵. تغریض یکی دیگر از عناصر واژگانی است که نقش مهمی در ارتباط آیات با محور اصلی سوره دارند و نام این سوره «عنکبوت» در آیه ۴۱ به خاطر این است که نشان دهد تکیه کافران بر غیر خدا، مثل تکیه و اعتماد

۴. آنان با شتاب از تو عذاب را می‌طلبند؛ (۵۳)
۵. آنان با شتاب از تو عذاب را می‌طلبند؛ (۵۴)
۶. شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که به‌سوی او بازگشت داده می‌شوید! (۱۷)
۷. اما جواب قوم او (ابراهیم) جز این نبود که گفتند
۸. آنها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می‌کشند و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود و روز قیامت به‌یقین از تهمت‌هایی که می‌بستند سؤال خواهند شد! (۱۳)
۹. و کافران به مؤمنان گفتند: «شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی دارد) ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت!» آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر دوش نخواهند گرفت؛ آنان به‌یقین دروغگو هستند! (۱۲)
۱۰. کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می‌کند؛ چرا که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است. (۶)
۱۱. ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم)؛ باید و آنها که در راه ما (با خلوص نیست) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است. (۶۹)
۱۲. «و برای شما جز خدا، ولی و یآوری نیست!» (۲۲)
۱۳. (ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بت‌هایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت میان شما
- در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بی‌زاری می‌جوئید و یکدیگر را لعن می‌کنید؛ و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یآوری برای شما نخواهد بود!» (۲۵)
۱۴. (لوط) عرض کرد: «پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!» (۳۰)
۱۵. مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده در حالی که سست‌ترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند! (۴۱)
۱۶. مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده در حالی که سست‌ترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند. (۴۱)
۱۷. علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد! (۳)
۱۸. مسلماً خداوند مؤمنان را می‌شناسد و به‌یقین منافقان را (نیز) می‌شناسد. (۱۱)
۱۹. او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد. (۱۴)

منابع

- قرآن کریم.

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان انتقادی*.- *تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*. چاپ اول.

تهران: علمی و فرهنگی.

- آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی؛ نظری، علیرضا (۱۳۹۱).

«هم‌آیی واژگانی و نقش آن در انسجام خطبه‌های

نهج‌البلاغه». *دو فصلنامه مطالعات ادبی متون*

- اسلامی. دوره ۱. شماره ۳. ۲۳-۴۴.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین (۲۰۰۵ م). *لسان العرب*. تونس: الدار المتوسطة للنشر و التوزيع.
- براون و یول (۱۹۹۷). *تحلیل الخطاب*. ترجمة و تعليق محمد لطفى الزليطی؛ و منیر ترکی. السعودية: جامعة الملك سعود للنشر العلمي والمطابع.
- برکاو، عبد الفتاح عبد العليم (۱۹۹۱ م). *دلالة السياق بين التراث و علم اللغة الحديث*. قاهره: دارالکتب.
- بوسته، محمود (سنة ۲۰۰۸ م-۲۰۰۹ م). *پایان‌نامه الاتساق والانسجام في سورة الكهف. جامعة الحاج لخضر باتنة*.
- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- پالمر، فرانک (۱۳۷۴ ش). *نگاهی تازه به معناشناسی*. کوروش صفری. تهران: نشر نو.
- پروینی، خلیل و نظری، علیرضا (آذر و دی ۱۳۹۴). «زبان‌شناسی متن و انطباق الگوی انسجام». *دوماهنامه جستارهای ادبی*. دوره ۶. شماره ۵. پیاپی ۱۴۶-۱۲۳.
- چامسکی، نوام (۱۳۸۷). *زبان و ذهن*. ترجمه کورش صفوی چاپ چهارم. تهران: هرمس.
- حلوه، نوال بنت ابراهیم (۲۰۱۲ م). «اثر التکرار في التماسک النصی مقاربة معجمية تطبيقية في ضوء مقالات د.خادل منيف». *ریاض: جامعة الاميرة نورة بنت عبد الرحمان*.
- خطابی، محمد (۱۹۹۲ م). *لسانیات النص - مدخل الى انسجام الخطاب*. بیروت: المركز الثقافي العربي.
- زرکشی، امام بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۴۱۹ هـ).
- البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- شریفی، شهلا؛ نامور فرگی، مجتبی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «تقسیم‌بندی انواع با هم‌آیی واژگانی». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. ۳۹-۶۲.
- شعبانلو، علیرضا؛ ملک ثابت، مهدی؛ جلالی بندری، یدالله (۱۳۸۷ ش). «فرایند دستوری در شعری بلند از عمق بخارایی». *نشریه علمی - پژوهشی گویا*. ش ۵. ۱۸۸-۱۶۶.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵ ش). *تجزیه و تحلیل نشانه. معناشناختی گفتمان*. تهران: انتشارات سمت.
- شکر، هیاس خلیل (۲۰۱۵ م). *التصیفة السیر ذاتية: بنية النص و تشکیل الخطاب*. العمان: دارغیداء.
- صوالیحه، کریمه (۲۰۱۱-۲۰۱۰). «التماسک النصی فی دیوان اغانی الحیاة». *جامعة الحاج لخضر - باتنة*.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- عبدالراضی، احمد محمد (۲۰۰۸ م). *نحو النص بین الاصاله و الحدیث*. قاهره: مكتبة الثقافة الدينية. الطبعة الاولى.
- عبد المجید، جلیل (۱۹۹۸ م). *البديع بين البلاغة العربية واللسانيات النصية*. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فرج، حسام احمد (۲۰۰۷ م). *نظريه علم نص*. قاهره: مكتبة الآداب.
- الفقی، صبحی ابراهیم (۲۰۰۰ م). *علم اللغة النصی، بین النظرية والتطبيق*. قاهره: دارقباة للطباعة والنشر والتوزيع.
- لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۵ ش). *درآمدی به*

- اصول و روش ترجمه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ هفتم.
- محمد فؤاد، عبدالباقی (۱۴۱۲). *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*. بیروت: دارالفکر.
- مصلوح، سعد (۱۹۹۰ م). *من نحو الجملة الى نحو النص. الكتاب التذکاري بقسم اللغة العربية. اعداد وديعة طه*. کویت: نجم عبدو بدوی.
- مهاجر، مهران؛ نبوی، محمد (۱۳۷۶ ش). *به سوی زبان شناسی شعر؛ رهیافتی نقش گرا*. تهران: نشر مرکز.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ ش). *تفسیر نمونه*. دوره چاپ ۳۶. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- نوال خلف (۲۰۰۷-۲۰۰۶ م). *پایان نامه «الانسجام فی القرآن الکریم»*. (سورة النور انموذجا). پایان نامه دکتری دانشگاه الجزایر.
- هالییدی، مایکل؛ رقیه، حسن (۱۳۹۳ م). *زبان، بافت و متن*. ترجمه محسن نوبخت. چاپ اول. تهران: سیاهرود.
- یهوذا، همزه ابوبکر (۲۰۱۲ م). *الترادف فی القرآن الکریم*. مالزی: جامعة المدينة العالمية.
- Halliday & Hasan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Sinclair.JM. (1995). *COBUILD English Collocations*. London: Harper Collins Publishers.
- Brown, G. & G. Yule (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge University.

